

ران‌وی

چاره در احیای هفته‌های مد است



فرشته کیاوش
هیئت علمی طراحی پارچه و لباس
دانشگاه علم و فرهنگ

● در پاسخ به پژوهش «شرق» درباره فلسفه اینکه چرا اخیرا مد شده است که همه درباره لباس اقوام ایرانی تخرکاتی دارند و به‌نوعی سعی می‌کنند خود را طراح لباس اقوام ایرانی معرفی کنند و اینکه این تم دقیقا چه جایگاهی در مد ایران دارد، باید گفت یکی از جدی‌ترین جایگاه‌های تعیین‌کننده در بستر مد ایران، در اختیار لباس اقوام ایرانی است؛ اما اینکه هدف از برگزاری برنامه‌های کلیشه‌ای فراوان و بی‌حاصل که در شهرهای کوچک و بزرگ تحت عنوان جشنواره لباس اقوام ایرانی برگزار می‌شود، موضوع به محدودیت‌هایی بازمی‌گردد که دست طراحان خلاق و ذاتا علاقه‌مند به موضوع مد را محدود کرده است.

تم لباس اقوام ایرانی در بخش طراحی لباس فولکلور ایرانی جایگاه جدی و مهمی دارد؛ اما معتقد نحوه استفاده از آن، خوب جا نیفتاده است. بحث فعالان در این حوزه به دو بخش تقسیم می‌شود. بخشی که دولتی است و لباس‌هایی را برای جشنواره آماده می‌کند و محدودیت‌ها و اشل‌هایی دارد که طراح را محدود می‌کند؛ در نتیجه طراح نمی‌تواند آزادانه روی این



مفهوم کار کند و به نظر من این بخش خیلی جای مانور ندارد؛ اما آن بخشی که دارد زیرزمینی کار می‌کند و در اختیار بخش خصوصی است، جایگاه خود را دارد و خوب توانسته از تم لباس اقوام در طرح‌های خود استفاده کند.

بسیاری از لباس‌هایی که بر تن هنرمندان می‌بینید که جذاب هم هست، اقتباسی از لباس اقوام است که در همین شوهای زیرزمینی و خصوصی تهیه می‌شود. به نظر آنجا که کار خصوصی می‌شود و از دست بخش دولتی خارج می‌شود، نتیجه حاصل می‌شود و فرآیند طراحی براساس لباس اقوام ایرانی می‌تواند جایگاه خود را پیدا کند؛ اما بخشی که در جشنواره‌ها درگیر می‌شود، مبتلا به محدودیت‌هایی می‌شود که عملا کار را در سطح متوقف می‌کند و دست طراح را می‌بندد.

ضمن اینکه خلایقیت و جرئت طراحان لباس در ایران کم است و در نهایت می‌بینید که همه کارها تکراری و در یک کلیشه کپی‌شده تکرار می‌شود و شما به ناکاه می‌بینید که برای مثال در همه طرح‌ها سرآستین‌ها و مها‌چ، یک شکل هستند. این معضل در زمینه طراحی براساس لباس اقوام ایرانی هم رخ داده و حتی طراحانی که ادعای طراحی لباس اقوام ایرانی را دارند؛ به‌نوعی دچار تکرر و تکرار و نبود نوآوری و مدرن‌سازی شده‌اند.

افغانستان هم هفته مد دارد

بارها از من پرسیده می‌شود که چگونه می‌توان به بخش خصوصی اختیار عمل داد و هدایت کرد تکراری و در یک کلیشه کپی‌شده تکرار می‌شود و شما به ناکاه می‌بینید که برای مثال در همه طرح‌ها سرآستین‌ها و مها‌چ، یک شکل هستند. این معضل در زمینه طراحی براساس لباس اقوام ایرانی هم رخ داده و حتی طراحانی که ادعای طراحی لباس اقوام ایرانی را دارند؛ به‌نوعی دچار تکرر و تکرار و نبود نوآوری و مدرن‌سازی شده‌اند.



نمایشگاه لباس اقوام ایرانی در سازمان آکوا تایلستان ۲۰۱۸

ویژه مد ایرانی – اسلامی



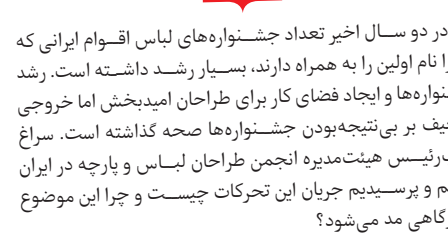
کالکشن زمستان ۱۸ • ۲۰ تکم همتی، اقتباس از لباس عشایر خراسان جنوبی

لباس اقوام ایرانی کجای جغرافیای مد ایستاده است



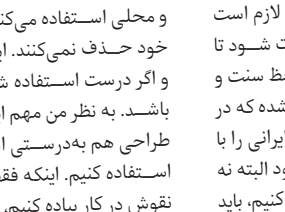
ستاره جاوید

تم لباس اقوام ایرانی، گوشت قربانی کهنی است که در چند سال اخیر به دستاویزی تبدیل شده است. به‌خصوص در دو سال اخیر تحرکات و جشنواره‌های کوچک و بزرگ متعددی بر مبنای طراحی لباس ایرانی با اقتباس از لباس اقوام ایرانی برگزار شده که خروجی امیدوارکننده‌ای نداشته و لباس اقوام ایرانی و لباس فولک ایرانی نتوانسته آن به هزار رنگ و هزار نقش و اندیشه دیرینی که در پس‌زمینه دارد، به جایگاهی که درخور و شایسته‌اش است تکیه بزند. به راستی قصه چیست؟ پشت قضیه اینکه هرازگاهی موضوع لباس فولک ایرانی مد جریانات بخش خصوصی و دولتی می‌شود و هر بخش از ظن خود پای این بخش شده و ناخنکی به این حوزه می‌زند و می‌کوشد خود را فعال و متولی این حوزه نشان دهد چیست؟ این نگاه ابزاری که به تم لباس فولک می‌شود تا کی قرار است جان‌مایه برخی جشنواره‌های فرالیمه و هزینه‌ساز و بی‌خروجی قرار گیرد؟ چه زمانی قرار است به صورت حرفه‌ای اندیشه لباس فولک ایرانی در تاروپود لباس اجتماع بانوان بنشیند و رنگ و بوی ایرانی بودن خود را جلوه‌گر کند؟ به راستی لباس اقوام ایرانی در کجای جغرافیای مد ایران ایستاده است و به کدام سسو می‌رود؟ برای یافتن پاسخ به سراغ فعالان این حوزه رفتیم.



مینو پدram، طراح لباس، مدرس دانشگاه، نایبرئیس هیئت‌مدیره انجمن طراحان لباس و بارچه ایران می‌گوید: در بحث لباس اقوام همیشه همه تاکید داشتند که ما می‌توانیم از نقوش و پارچه‌ها و فرهنگی که در لباس‌های تاریخی یا سبک و استایلی که در لباس‌های اقوام مختلف هست، استفاده کنیم. در پاسخ به اینکه چرا اکنون بیشتر به آن پرداخته می‌شود، فکر می‌کنم در مسئله پوشش بانوان به‌خصوص لباس اجتماع، با اینکه طراحان توانستند مقداری تنوع ایجاد کنند اما شاهد نوعی تکرار و تکثیر در آن تنوع هستیم و مجدد طراحان در تلاش هستند که به سبک سنتی-مدرن پیش بروند و از لباس اقوام الهام بگیرند. دوره‌ای شاهد لباس‌هایی با الگوبرداری از مد غربی بودیم که خوشبختانه طراحان ایرانیزه کرده بودند اما با تکرار همان تنوع، طراحان به این نتیجه رسیدند که مجدد به لباس اقوام اقبال نشان دهند و از آن استایل برداشت کنند منتها اینکه چقدر در این برداشت، موفق هستند و می‌توانند خوش‌سلیقگی به خرج دهند، بحثی جداست. من فکر می‌کنم آن تکرار و تکثیر، سبب اقبال مجدد به موضوع طراحی لباس اقوام ایرانی شده و از سوی دیگر چون به ایران عرق داریم، این سبک لباس‌ها از منظر ذائقه بانوان ایرانی، با اقبال روبه‌رو می‌شود. علاوه بر اینها، ما تنوع لباس‌ها و رنگ‌ها و نکته مهم‌تر، پوشیدگی را در لباس‌های اقوام ایرانی می‌بینیم و این سبک، می‌تواند در عین پوشیدگی پر از رنگ و نقش باشد و جذابیت داشته باشد و به صورت مدرن پیاده شود اما معتقد هستم که احیای این تم و بقای این مسئله خیلی

جای کار دارد و تحقیق و پژوهش‌های زیادی نیاز دارد و لازم است که اصول درست طراحی لباس توسط طراحان رعایت شود تا محصول نهایی ضمن برخورداری از طراحی، در عین حفظ سنت و فرهنگ، اصالت ایرانی خود را هم داشته باشد. دیده شده که در برخی از طرح‌هایی که تم طراحی بر مبنای لباس اقوام ایرانی را با خود همراه دارند، از پارچه‌های هندی استفاده می‌شود البته نه اینکه بد باشد، اما اگر بخواهیم لباس اقوام ایرانی را احیا کنیم، باید



امروزه مد تابعی از مد روز دنیاست و آنچه مجبوریم از آن پیروی کنیم این است که سال آینده چه چیزهایی در دنیا مد می‌شود

و محلی استفاده می‌کند و هرگز آن را از بخش طراحی و فرهنگ خود حذف نمی‌کنند. این عقبه در فرهنگ و تاریخ ما هم هست و اگر درست استفاده شود، می‌تواند بسیار ایده‌آفرین و مشرئمر باشد. به نظر من مهم این است که در این اقتباس، اصول و قواعد طراحی هم به‌درستی استفاده شود؛ یعنی از ابزار هم به‌درستی استفاده کنیم. اینکه فقط یک تکه پارچه را در قسمتی از لباس یا نقوش در کار پیاده کنیم، مسلما نمی‌تواند گزینه درستی باشد و

مجموعه‌ای کار کردم که بیس تمام کالکشن پارچه‌های دست‌بافت جنوب خراسان بود که با تایپوگرافی‌های فارسی یکی استادان بنام ایرانی مزین شده بود. این مجموعه در ایران استقبال نشد و فروش چندانی نداشت اما در آلمان به فروش رفت. درست مثل فونت انگلیسی که در ایران متقاضی دارد؛ لباس اقوام هم به همین شکل، در خارج از ایران متقاضی دارد و طراحان دوست دارند در خارج پزنت شوند.

در خارج پزنت شوند.

بررسی‌ها و پژوهش‌های بیشتری انجام شود و معتقدم که هنوز جای کار دارد تا بتوانیم برداشت درستی از این سبک داشته باشیم. جشنواره‌های آماری که در این خصوص برگزار می‌شود، این تکرار را تکرار می‌کنند و متأسفانه این حوزه دارد به ایندال می‌رود، چون عملا کاربردی و عملیاتی نمی‌شود و حاصل کار، تعیین‌کننده نیست؛ به نظر شما علت ناکامی جشنواره‌ها چیست؟

این حوزه باید ساماندهی شود و نیاز به یک کار کارشناسی دارد تا موضوع به دست افرادی سپرده شود که در بحث نوآوری و حتی برگزاری جشنواره‌ها، انتخاب‌های درستی انجام دهند و این بخش به سمت درست و صحیح، راهبری شود. اینکه چه بخشی باید متولی امر باشد و ساماندهی را بر عهده بگیرد، مسلما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کارگروه ساماندهی مد و لباس عهده‌دار این مسئله خواهند بود و شکی نیست که ساماندهی، هدایت و راهبری بر عهده این بخش است.

کارگروه خیلی مشغله دارد؟

بله درست است اما می‌تواند تفویض اختیار کرده و ساماندهی این‌بخش را به انجمن‌ها انتقال دهد که اتفاقا این‌کار را هم انجام داده است... به عنوان مثال ما به عنوان یک ان‌جی‌او و یک انجمن صنفی همکاری‌های لازم را با کارگروه ساماندهی مد و لباس داریم. مؤسسات هم می‌توانند کمک‌کننده باشند اما چون انجمن‌ها متشکل از صنف‌ها هستند، در این حوزه تخصص بیشتری دارند و می‌توانند بیشتر هم‌افزایی را با کارگروه داشته باشند.

اکنون انجمن طراحان پارچه و لباس در این‌خصوص چه کرده است؟

در سیاست‌گذاری‌هایی که از قبل داشتیم و اکنون هم بیشتر شده و جزء اهداف انجمن هم بوده کارگروه‌ها و کمیته‌هایی در بحث آموزش و پژوهش راه‌اندازی کردیم و این‌بخش‌ها را توسعه داده و تقویت کردیم. همچنین در بحث آموزش، طرح‌ها و پروپوزال‌هایی را به وزارت فرهنگ و ارشاد پیشنهاد دادیم. بحث لباس اقوام، استارت‌آپ‌ها، مسابقات و جشنواره‌ها در مرحله طرح‌نویسی و قالب‌بندی است. امیدوارم بتوانیم با توجه به شرایط سخت پیش‌روی انجمن به عنوان یک ان‌جی‌او مصوبات را بگیریم و طرح‌ها را اجرایی کنیم. فکر، ایده و پتانسیل زیادی وجود دارد اما این ظرفیت زمانی بالقوه می‌شود که از آن حمایت شود و امکاناتی داشته باشد. من با شما هم‌عقیده‌ام که به لباس اقوام دچار نگاه ابزاری شده و چون مد شده است که به لباس اقوام بپردازند، این حوزه مهم دچار نوعی ایندال شده است. اما اگر از این تم به شکل درست استفاده شود، مشکلی پیش نخواهد آمد و خروجی کار، رضایت‌بخش خواهد بود. برای مثال هند، کره و چین جزء کشورهایی هستند که در آیین‌های ملی خود از لباس‌های ملی



وقتی اسم لباس‌های سنتی و محلی می‌آید، بنیاد ملی مد کمک‌های خوبی به طراحان می‌کند که این انگیزه خوبی برای طراح ایجاد می‌کند

نیز نمی‌توان مدعی شد که ما از فرهنگ خود در پوشش استفاده می‌کنیم. به نظر هر کس می‌خواهد در این حوزه کار کند و باقی بماند، باید حداقل دانشی را از اصول و قواعد طراحی داشته باشد و نقوش را بشناسد، یعنی مجموعه قواعدی را داشته باشد تا خروجی کارش، لباسی باشد که هویت ایرانی دارد و بر اساس مد ایرانی طراحی شده و چشم‌نواز باشد. گاهی این ابزار به اندازه‌ای غلط استفاده می‌شود که شما می‌بینید با اینکه بسیار تلاش شده، اما چشم‌نواز نیست و دور از انتظاراتی است که یک لباس مبتنی بر مد ایرانی دارد.

به نظر شما لباس اقوام کجا ایستاده است؟

لباس اقوام ارائه شده در دو سال اخیر را نمی‌توانیم معیار قرار دهیم و بگوییم مشخصا در طراحی لباس ما جایگاهی دارد. ولی امروزه مد تابعی از مد روز دنیاست و آنچه مجبوریم از آن پیروی کنیم این است که سال آینده چه چیزهایی در دنیا مد می‌شود. اکنون عصر ارتباطات و استارت‌آپ‌هاست و ما مجبوریم جهانی فکر کنیم. اما همیشه احساس می‌کنم ما می‌توانیم از شانه‌ی جداگانه‌ای در بحث طراحی لباس با اقتباس از فرهنگ خود و لباس‌های فولک، به صورت مدرن استفاده کرده و سبک ایرانی را حفظ کنیم.

مد از چه بخش‌های دنیا را رصد می‌کنید؟ این رصدی که می‌فرمایید در بخش دولتی مشخصا کجاست؟

شاید این اطلاعات به ما نرسد یا دیر برسد، اما با وجود اینترنت و شبکه‌های مجازی، هرکس می‌تواند شش ماه یا یک سال آینده را رصد کند، اما اینکه چه کسی و با چه دیدی رصد کند خیلی اهمیت دارد. مهم این است که رصدکننده، به بررسی مد سال آینده، پیشنهاددهنده ایده‌های جدید باشد و خیلی تابع مد نباشد؛ یعنی رصدکنندگان با سنجش و پیش‌بینی مد پیش‌رو به پالتی از پیشنهادهای مختلف و جدید برسند و درعین‌حال که از مد روز دنیا اقتباس گرفته است اما ایرانیزه شده و منطبق با سلیقه ایرانی همراه بوده و نو هم باشد.

چرا موضوع لباس اقوام ایرانی هرازگاهی مد می‌شود و هر طراح بر مبنای جریان روز، سعی می‌کند به این حوزه ورود کند؟



تکتم همتی، طراح لباس، در پاسخ می‌گوید آثار من یونیک است، یعنی برای جنسیت طراحی نشده است و دوست دارم لباسی که برای زنان طراحی می‌کنم، لباسی باشد که زنان در پوشش آن قوی و مردانه به نظر برسند؛ شاید این مخالف عقاید فمینیست‌ها باشد اما من الگوی لباس‌هایم را از لباس مردان عشایر اقتباس می‌کنم و باور دارم که لباس اقوام ایرانی تمی قوی برای کار دارد.

من حس می‌کنم وقتی اسم لباس‌های سنتی و محلی می‌آید، دولت، وزارت ارشاد و بنیاد ملی مد کمک‌های خوبی به طراحان می‌کند و هرازگاهی می‌بینید که در کاخ سعدآباد یا نیاوران مجموعه‌هایی از لباس‌های اقوام ارائه می‌شود. این انگیزه خوبی برای طراح ایجاد می‌کند؛ زیرا او با خود می‌گوید من بودجه می‌گیرم و کار می‌کنم یا موفق می‌شوم یا نمی‌شوم. در هفته‌های فرهنگی کشورها هم، ایران هم دوست دارد عرض اندام کند و خودی نشان دهد به همین دلیل لباس‌هایی که در این هفته‌ها ارائه می‌شود، یک سری لباس‌های سنتی است و تعداد معدودی از طراحان لباس هستند که با لباس‌هایشان به همه جای دنیا می‌روند. من نوعی خیلی پولدار نیستم که آثارم را در آلمان، ایتالیا و فرانسه معرفی کنم اما اگر لباس سنتی یا اقوام کار کنم احتمال اینکه دولت حمایت کند، وجود دارد و همین جلب حمایت باعث می‌شود موضوع لباس اقوام بولد شود. دلیل دوم اینکه لباس اقوام ایرانی در خارج از کشور متقاضی دارد. برای مثال من مجموعه‌ای کار کردم که بیس تمام کالکشن پارچه‌های دست‌بافت جنوب خراسان بود که با تایپوگرافی‌های فارسی یکی استادان بنام ایرانی مزین شده بود. این مجموعه در ایران استقبال نشد و فروش چندانی نداشت اما در آلمان به فروش رفت. درست مثل فونت انگلیسی که در ایران متقاضی دارد؛ لباس اقوام هم به همین شکل، در خارج از ایران متقاضی دارد و طراحان دوست دارند در خارج پزنت شوند.

نگاه

لباس اقوام ایرانی قربانی نگاه بازاری شده‌است



مریم مونتسی
مدیر گروه طراحی پارچه و لباس
دانشگاه الزهرا

● به خاطر سیاست‌گذاری‌های اخیریه که از طرف سران کشوری انجام می‌شود، تلاش شده بهای بیشتری به لباس ایرانی از جمله لباس اقوام ایرانی داده شود؛ اما طراحان لباس یا بهتر است بگوییم طراح‌نماهای لباس و کسانی که نام طراح لباس را یکد می‌کنند و هیچ دانشی در این حوزه ندارند، در سال‌های اخیر به‌ویژه در حوزه اقوام ایرانی کارهایی سطحی ارائه کرده‌اند.

با توجه به اهمیتی که به لباس ایرانی برگرفته از لباس اقوام ایرانی داده شده است، بسیاری از افراد سعی می‌کنند از متریالی که نام ایرانی دارد استفاده کنند. طبیعی است که لباس اقوام هم یکی از سنتی‌ترین و قدیمی‌ترین مفاهیمی است که در بحث لباس ایرانی وجود داشته و همواره مورد توجه بوده است، اما دیده شده که وقتی برخی طراح‌نماها می‌خواهند طراحی لباس انجام بدهند، به‌دلیل سطحی‌نگری زیادی که در این موضوع اتفاق افتاده، در نتیجه طراحی براساس لباس اقوام به استفاده از سوزن‌دوزی و برش‌های

معدود، محدود می‌شود. بسیاری مواقع این برش‌ها و سوزن‌دوزی‌ها بدون اینکه در آنها کوچک‌ترین رعایتی از منظر زیبایی‌شناسی لباس انجام شود، روی لباس سوار و به جامعه ارائه می‌شود؛ اما مسئله اینجاست که اگر قرار باشد طراحی لباس در حیطه صحیح خود قرار بگیرد، طراح لباس باید ترکیب‌بندی فرم و رنگ را بداند و محتواها را بلد باشد. طراح لباس فقط ساختار ظاهری لباس را نمی‌سازد، بلکه باید با محتوا آشنا باشد، چراکه او یک محتواساز است و باید نمادها و نقش‌ونگارها و جایگاه این نمادها را بداند. طراح لباس صرفا فرم‌ساز نیست، بلکه معناساز است و محتوا می‌سازد. معناسازی اصل کاری است که یک طراح لباس باید بداند و رنگ و برش و ترکیب‌بندی‌های معنادار را به خدمت بگیرد. با رعایت این قواعد است که می‌توانیم طراحی‌های لباس‌ها را به‌روزرسانی کنیم و مواردی را که در پوشش گذشگان ما بوده، روزآمد کرده و با مد روز همراه کنیم.

آنچه باعث شده لباس اقوام ایرانی در سایه باشد و دست‌انیز قرار گیرد، این است که با نام طراحی لباس اقوام ایرانی، ظاهر را در قالب محتواسازی به ما القا کرده‌اند، درحالی‌که طراح لباس باید همراه با مد زمانه پیش برود و علاوه بر آن باید آن‌قدر داشته‌های خود را تقویت کند که بتواند محتواساز درستی باشد، بلکه بتواند بر مبنای پایه تاریخی و ستر فرهنگی که لباس اقوام ایرانی در غنای تفکر او ایجاد می‌کند، محتوای به‌روز ایرانی را در اشلی جهانی معرفی کند.



ایده احیای لباس اقوام ایرانی در ذات ایده خوبی است، اما موفق نشده جریان‌ساز باشد و بحث اینجاست که صرف‌نظر از خط مشی‌ای که از سوی بخش دولتی ارائه می‌شود، معرفی درست از سوی طراحان لباس هم اهمیت پیدا می‌کند. طراحان غربی، ذائقه را می‌شناسند و بر مبنای ذائقه غربی و شرقی و ذائقه مخاطب خود حرکت می‌کنند و کیفیت را فدای قیمت نمی‌کنند. در لباس اقوام ایرانی، بسیار از هنر دست و دست‌بافت استفاده شده که هنر گرانی است. متأسفانه مشاهده شده که به بهانه ارائه کالای ارزان ایرانی، این هنر گران و ارزشمند با کیفیت نامطلوب و قیمت پایین عرضه شده یا رنگ‌بندی‌ها با هدف مدرنیته دست‌کاری می‌شود و در نتیجه لباس و محصول نهایی هم از استاندارد اصلی و هم از ذائقه مخاطب فاصله می‌گیرد و هم استفاده نادرستی از ابزار و متریال می‌شود. اینها ربطی به دولت ندارد، بلکه از سوی فعالان اتفاق می‌افتد.

اکنون در زمینه لباس اقوام هم بازار ما از جامعه طراحان لباس بسیار مجزا شده است. طراحانی هستند که خیلی خوب کار می‌کنند، اما به شکل یک جزیره هستند و مشتریان خاص خود را دارند، بازار ما واردات از کشورهای دیگر را در اولویت قرار داده و حتی برای ارائه محصول ارزان، کیفیت و مطلوبیت را قربانی واردات کرده تا سود بیشتری به دست آورده باشد. در نتیجه یک خلأ بزرگ بین طراحان که فکر و ایده هستند و کسانی که تولیدکننده و مجری ایده طراحان هستند ایجاد شده و همه‌چیز را قربانی خود کرده است. موضوع و تم لباس اقوام ایرانی هم جدا از این اتفاق نیست.